

وحدت در مسیر رسیدن به اهداف عالیه همواره امری مملوح بوده به نحوی که وحدت کلمه، یکپارچگی و اتحاد مسلمانان از جمله دغدغه‌های مصلحان بزرگ تاریخ بوده است. در آموزه‌های دین مبین اسلام نیز تاکید بر اتحاد مسلمین از اهمیت خاصی برخوردار است، از این‌رو می‌توان گفت به هر میزان وحدت و انسجام جهان اسلام در برابر دشمنان بیشتر باشد، جهان اسلام با داشتن آرمان و اهداف مشترک، در مسیری واحد به سوی اهداف موردنظر حرکت خواهد کرد و ملتی که دارای همبستگی ملی است و از وحدت، یکدلی و یکرنگی بهره می‌برد، به‌راحتی به اهداف متعالی خویش خواهد رسید.روشن است ملتی واحد، منسجم و یکپارچه که با همبستگی ملی و وحدت و اتحاد خویش، در تحقق اهداف و آرمان‌های ملی خویش در تلاشند، توطئه‌ها و تبلیغات روانی دشمنان و معاندان حاکمیت ملی و نظام سیاسی خویش را در ناکارآمد جلوه دادن نظام سیاسی خویش ناکام خواهند گذارد. امروز و پس از انقلاب اسلامی، طرح ایده وحدت برای همدلی مسلمانان، وحدت و یکپارچگی آنان، از ضروریات جهان اسلام و مهم‌ترین استراتژی برای مقابله با توطئه‌های استکبار جهانی است. انقلاب اسلامی که شش‌دینا استکبار جهانی و سکولاریسم را به چالش کشانده، برای حفظ هویت خویش نیازمند تثبیت موقعیت و تحقق آرمان‌های خویش است. از این‌رو، ایده وحدت به عنوان یک استراتژی همواره موضوعی بکر و تازه است.

- «وحدت» چیستی و چرایی**

به‌راستی مقصود از وحدت چیست؟ آیا هدف دست کشیدن مذاهب مختلف از اعتقادات و گرویدن به مذهبی خاص است؟ یا تاکید بر وحدت در آیات، روایات و کلام بزرگان با هدف تاکید بر مشترکات است؟ لازم است پیرامون چیستی و چرایی وحدت به منابع دینی خود رجوع و واژه وحدت را مفهوم‌شناسی کنیم. در قرآن کریم خداوند متعال با تاکید بر مشترکات مذاهب، «وحدت امت اسلامی» را به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام می‌خواند، به‌گونه‌ای که در نهایت، نوپدیدیش تشکیل امت واحد اسلامی شود: «وَ اِنْ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَةٌ وَّاحِدَةٌ وَاَنْتُمْ زَرْعُهَا فَاَنْتُمْ» و همانا این امت شماسْت؛ امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید». در تفکر دینی، هرگز مرز از وحدت کنار نهبان سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی به‌کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان یک آرمان نهایی، در سطح جوامع و جهان اسلام خواهد بود: «وَ اتَّخَذُوا اِلَٰهَهُمْ هَؤُلَاءِمْ قَسَمٌ مِّنْهُمُ الْمَوْتِ وَنَعْمُ النَّصِيرُ».

بنابراین از نظر مفهومی، وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزارمدی آن شامل تمام تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اتخاذ روش‌های واحد، بهره‌گیری از امکانات مشترک و تدابیری می‌شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی است.

از این‌رو، خداوند می‌فرماید: «وَ اتَّخَذُوا بِخَبْلِ اِلَٰهِ جَمِيعًا وَ لَوْ تَفَرَّقُواْ».

«امروز در دنیای اسلام گرفتاری‌ها بسیار زیاد است، اسلام این همه بر وحدت و یکپارچگی مسلمین و برادری مسلمانان تاکید فرموده است؛ حتی در اعتصام به حبس‌الله، می‌توان تکت‌تک به حبس‌الله اعظام پیدا کرد، اما!» این را اسلام توصیه نمی‌کند و اعتصوما بخبل‌الله جمیعاً؛ همه‌با هم به حبس‌اللهی تمسک کنید، با هم باشید» از منظر آیات قرآن کریم، «وحدت» کلمه امت اسلام، وحدت دینی و اسلامی است و به عنوان شیوه و ابزار تحقق اهداف و مقاصد دینی و الهی تلقی می‌شود. از این‌رو، جنگ و اعتمام به حبس‌محکم‌اللهی را زمینه و مقدمه نیجات امت از هلاکت و نیز سعادت و هدایت امت اسلامی برمی‌شمارد: «وَ اتَّعَصَمُواْ بِخَبْلِ اِلَٰهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُواْ وَاِذْ كُنَا نِعْمَةً مِّنْهُ اِلَٰهِ عَلَیْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَافٌ بَيْنَ قُلُوْبِكُمْ فَاصْنَعْنَمْ بِنِعْمَةِ اِخْوَانَا وَ كُنْتُمْ عَلٰی شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اِلَٰهُ لَّكُمْ اٰیٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ». همچنین خداوند متعال در قرآن کریم تفکر و اختلاف در دین و از بین رفتن وحدت امت اسلام را با اصل اقامه دین حق و آیین توحیدی منافی دانسته، می‌فرماید: «... اَقِمْوْا الدِّیْنَ وَلَا تَتَفَرَّقُوْا فِیْهِ». از طرفی، بشدت کسانی را که در پی اختلاف‌افکنی هستند یا در پی ایجاد وحدت بین امت اسلامی نیستند، سرزنش و مذمت می‌کند و آن را مانند دین پیشین قلمداد کرده که پس از هدایت الهی، باز به سمت اختلاف تمایل یافتند و سزاوار هدایت عظیم شدند: «وَ لَا تَكُوْنُوْا کَالَّذِیْنَ تَفَرَّقُوْا وَاَخْتَلَفُوْا مِنْ



استراتژی وحدت در اندیشه رهبر انقلاب

اهداف الهی، محور وحدت امت

- میلاد امینی، موحد**

بَعْدَ مَا جَاهَهُمُ التَّيْنَاتُ وَأَوَّلَسَكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

بنابراین وحدت از منظر دینی امری فی‌نفسه مطلوب بوده و بدان بسیار سفارش و تاکید شده است به‌گونه‌ای که اقامه دین در پرتو وحدت امت اسلام است و قدر جامع از غایت وحدت در جامعه اسلامی تاکید بر مشترکات است. لذا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «وحدت به معنای تکیه بر مشترکات است. ما مشترکات زیادی داریم؛ میان مسلمانان، مشترکات بیش از موارد اختلافی است؛ روی مشترکات باید تکیه کنند». اگر چه برخی سادماندیشان در موضوع وحدت شیعه و سنی سنگ‌اندازی می‌کنند اما با اندکی تأمل و با عنایت به آنچه گذشت، و با توجه به اشتراکات شیعه و سنی، تحقق وحدت اسلامی به‌راحتی امکان‌پذیر می‌شود. شیعه و سنی دارای مشترکات بسیاری هستند؛ خدای همه آنها یکی است؛ پیامبر همه ایشان یکی است؛ قبله آنها یکی است؛ ماه رمضان همه روزه می‌گیرند؛ کتاب آسمانی همه یکی است؛ همه نماز می‌خوانند؛ زکات می‌دهند؛ در اصول چندان اختلافی با هم ندارند. همه مسلمانان فرهنگ، تاریخ و تمدن مشترک دارند. اختلاف آنان در برخی فروعات دینی است. بنابراین، وحدت امکان‌پذیر است.

«وحدت»؛ راهبرد نظام اسلامی یا رویکردی تاکتیکی؟
وحدت مذاهب اسلامی، نه‌تنها امری ممکن و مطلوب است که به دلیل توصیه‌های قرآن کریم و تاکید سیره نبوی و آموزه‌های دینی، ضرورتی انکارناپذیر است. اما سؤالی که جواب آن می‌تواند راهگشا باشد این است که وحدت شیعه و سنی از چه نوع رویکردی است، تاکتیکی یا استراتژیک؟ در رویکرد تاکتیکی مسلمانان تنها جهت مصون ماندن از برخی آسیب‌ها و برای مدت محدود با هم متحد می‌شوند. از این وحدت تاکتیکی هم غالباً در وضعیت متغعانه و در مقابل هجمه‌های بی‌امان دشمن استفاده می‌شود. بنابراین از این منظر، «وحدت»، «اتحاد» و «انسجام»، در این رویکرد یک تاکتیک محسوب شده و برای مقابله با تهدیدهای دشمن بسیار راهگشا و مؤثر خواهد بود. اما «وحدت» از منطری دیگر، رویکردی استراتژیک و راهبردی به خود می‌گیرد، با عنایت به آنچه در باب «وحدت» گذشت، و با توجه به آیات عدم تفرق، عدم تنازع و عدم اختلاف، و همچنین سنت و سیره عملی نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله و آئمه اطهار علیهم‌السلام، دعوت به «وحدت»، «تقریب»، «اتحاد» و «انسجام» و لزوم حفظ آن، صفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و



اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت الوهی دارد. «هدف از این کار آن است که با شعار وحدت مسلمین، که شعار دین در پرتو وحدت است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مساله استراتژیک می‌دانم- یک مساله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگویم مصلحت ما ایجاب می‌کند با مسلمین غیرشیعه را تباطات داشته باشیم- مسلمانان، بتدریج این اختلافات مذهبی و طایفی را کم کنند و شیعه و سنی سنگ‌اندازی می‌کنند اما با اندکی تأمل و انگیزه صحیح، مساله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مساله اساسی قرار داده‌ایم».

«تفرقه‌افکنی» سیاستی که دامن دنیای اسلام را گرفته
رهبر حکیم انقلاب که از منادیان وحدت در عصر حاضرند نیز با درایت، استراتژی شوم استکبار جهانی برای تفرقه بین امت به هم پیوسته مسلمانان را برمال می‌کنند: «استکبار جهانی و استعمار، از یکی، دو قرن پیش، مصلحت خود را در این دانست که بین ملت‌های مسلمان اختلاف بیندازد. مصلحت را در این دانست، چرا؟ چون در این صورت می‌توانست ثروت‌های اینها را غارت کند، اینها را از پیشرفت‌هایی که حق آنها بود باز بدارد؛ استعمار کند. قدرت‌های جهانی به برکت علمی که پیدا کرده بودند و فناوری‌ای که پیدا کرده بودند و سلاح‌هایی که ساخته بودند، هدفشان را این قرار دادند و متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شدند. اینکه ما از اول انقلاب تا امروز دالم دست دوستی را به سمت ملت‌های مسلمان و به سمت دولت‌های مسلمان دراز کردیم، دعوت کردیم به اتحاد، به وحدت، به ایستادگی در مقابل توطئه‌های دشمن، به‌خاطر این است». در واقع آمریکا ضمن نوسیدی از حربه‌های مختلف با بهره‌گیری از سیاست انگلیسی «تفرقه‌بینداز و حکومت کن» بنا را بر اختلاف‌افکنی بین مذاهب گذاشت. سیاستی که بارها از سوی رهبر انقلاب به رهبران جهان اسلام و مسلمانان ذکر داده شد: «یک روزی این اختلاف به عنوان پان‌ایرانیسم، پان‌ترکیسم و پان‌عربیسم و از این قبیل چیزها مطرح می‌شد که خیلی کاربرد نداشت؛ امروز به نام مذهب می‌خوانند. اختلاف ایجاد کنند و جوان‌ها را به جان هم بیندازند. آن‌وقت نتیجه این می‌شود که فرقه‌های تروریستی مثل داعش و امثال اینها با پول وایستگان با آمریکا، با کمک سیاسی آمریکا، با همراهی هم‌پیمانان آمریکا است که ریشه قرآنی دارد. با توجه به اتخاذ رویکرد

سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند، بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوای سیاسی است، دعوای سیاست‌ها است. امروز یک چنین وضعی را اینها در منطقه به‌وجود آورده‌اند؛ ایجاد اختلاف کرده‌اند؛ باید تلاش کرد این اختلافات از بین برود».

«تفرقه‌افکنی»؛ مدافعان حقوق اهل‌سنت‌نیستند
رهبر انقلاب اهداف گروه‌های تکفیری تشکیل شده توسط استکبار در منطقه را غیر از اهداف آمریکا نمی‌داندند و مکرر تاکید کرده‌اند برای گروه‌های تکفیری مذهب «شیعه» و «هل سنت» هیچ اهمیتی ندارد بلکه آنها سیاست تفرقه‌افکنانه اربابان‌شان را پیش گرفته و مسلمانان را به شهادت می‌رسانند: «تکفیری‌ها شیعه و سنی نمی‌شناسند؛ سنی را هم می‌زنند. ما در داخل کشور خودمان چقدر از علمای اهل سنت داریم- مرحوم شیخ‌الاسلام در سسندج، مرحوم حسین‌رُ در بلوچستان و علمای دیگری- که همین تکفیری‌ها اینها را ترور کردند و خون‌شان را مظلومانه بر زمین ریختند. آنها سنی و شیعه نمی‌شناسند، آنها هر کسی را که با انقلاب است، هر کسی را که در مقابل استکبار است، هر کسی را که با آمریکا دشمن است می‌زنند؛ اسمش را هم می‌گذارند جنگ شیعه و سنی». سیاست نظام جمهوری اسلامی ایران پیرامون وحدت جامعه اسلامی که بارها از سوی رهبر معظم انقلاب دایم‌در اندام و تبیین شده، «برادری» و «خوت» با کشورهای مسلمان و عدم سازش با مستکبران عالم است که ریشه قرآنی دارد. با توجه به اتخاذ رویکرد

راهبردی و استراتژیک نسبت به مساله وحدت، مقام معظم رهبری تاکید می‌کنند نوع مذهب در حمایت جمهوری اسلامی ایران از ملت‌های مظلوم مسلمان هیچ تأثیری نداشته است: «ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم؛ و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین [هم] داشت؛ بدون هیچ تفاوتی. ما همان حمایتی را که از برادران‌مان در لبنان کردیم، از برادران‌مان در غزه [هم] کردیم؛ بدون هیچ تفاوتی. آنها سنی بودند؛ اینها شیعه‌اند. مساله برای ما دفاع از هویت اسلامی است. حمایت از مظلوم است» وحدت جهان اسلام برای رهبر معظم انقلاب آرمانی بزرگ تلقی می‌شود به‌گونه‌ای که ایشان همچون امام راحل رهایی قدس از رژیم غاصب صهیونیستی که نتیجه اتحاد مسلمانان است را «مداف‌ع از اسلام» می‌خوانند. رهبر انقلاب در سخنرانی‌های مختلف با طرح این سوال که «اگر آمریکا و انگلیس حامیان اهل سنت هستند چرا از حق فلسطین دفاع نمی‌کنند؟» ادعای حمایت مستکبران از اهل سنت را غیرواقعی می‌دانند: «اینها دروغ می‌گویند اگر می‌گویند ما با شیعه مخالفیم، با سنی موافقیم؛ نخیر! ایا فلسطینی‌ها شیعه‌اند یا سنی‌اند؟ چرا با فلسطینی‌ها اینقدر بدند؟ چرا جنایت نسبت به فلسطینی‌ها را مطلقاً مورد تعرض قرار نمی‌دهند؟ غزه چقدر کوبیده شد؟ سرزمین‌های کرانه باختری چقدر تحت فشار قرار گرفت و هم‌اکنون تحت فشار قرار دارد؟ آنها که شیعه نیستند، آنها سنی‌اند. برای آمریکایی‌ها مساله، مساله شیعه و سنی نیست؛ هر مسلمانی که بخواید با اسلام، با احکام اسلامی و قوانین اسلامی زندگی کند و برای آن مجاهدت کند و در راه آن حرکت کند، دشمن خود به‌حساب می‌آورد». در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب پدیده دفاع از حرم اهل‌بیت را نیز می‌توان از رویش‌های توجه به مساله وحدت اسلامی دانست. مدافعان حرم که متشکل از گروه‌های شیعه و اهل سنت است و به جنگ و جهاد با گروه‌های تکفیری‌ای‌می‌پردازند که جز تفرقه‌افکنی بین صفوف مسلمین هدفی را دنبال نمی‌کنند.

«مطالبات رهبری از مبلغان پیرامون مقوله «وحدت»
مطالبات رهبر انقلاب پیرامون وحدت و اتحاد اسلامی از شیعیان نیز همواره مورد توجه مسلمانان جهان قرار گرفته است. از فتوای حرمت توهین به زوجات پیامبر و مصادات اهل‌سنت تا مظلوم دانستن تشییع که بر پایه اختلاف‌افکنی تشکیل شده است. توجه دادن خطیبیان و ذاکران اهل‌بیت به مساله وحدت و دوری از اختلاف‌افکنی نشان از تاثیرگذاری مجلس دینی و همچنین نگاه خاص رهبر انقلاب به هیأت‌های مذهبی و مجالس دینی است. ایشان در دیدار سالانه با ستایشگران اهل‌بیت می‌فرمایند: «اگر خدای تعالی در مجلس جاست، ما، جلسات وحدت‌شکن نباشد. این فرصت را از دست داده‌ایم؛ اگر کیفیت حرف زدن ما یا مضمون حرف‌های ما جوری باشد که دشمنان ما را در هدف‌های‌شان موفق بکند، ما این نعمت الهی را- بَدَلُوا نِعْمَتَ اِلَٰهِ كَفَرًا- تبدیل کرده‌ایم به نعمت؛ این را باید مواظب بود، باید مراقب بود. بارها ما گفته‌ایم، برای آدم‌های آگاه و روشن از اوضاع جهان و جهان اسلام هم این مثل روز روشن است که امروز اختلاف‌افکنی مذهب در میان مسلمانان، یک وسیله و بره‌گای است در دست دشمنان ما. یک شمشیر در دست دشمنان ما، همین اختلافات مذهبی است. علنی کردن اختلافات، صریح کردن مخالفت‌های اعتقادی، به زبآن آوردن مطالبی که کینه‌ها را برمی‌افروزد، یکی از وسایلی است که دشمن ما از آن بیشترین استفاده را دارد می‌کند. حالا اگر! ما جوری عمل بکنیم که این مقصود دشمن برآورده بشود، این «بَدَلُوا نِعْمَتَ اِلَٰهِ كَفَرًا» است. در جلسات نباید کینه‌ورزی‌های مذهبی را زیاد کرد؛ این را چقدر باید تکرار کرد؟ بارها تکرار کرده‌ایم. بعضی حاضر نیستند [گوش کنند]».
علاج اصلی برای بحران‌ها نامتگیر اندام و اسلام‌شده تدوین «منشور وحدت» توسط بزرگان، متفکران و روشنفکران مسلمان است. تاکید بر مشترکات اصولی در این منشور می‌تواند جلوی بسیاری از افراطی‌گری‌ها را در منطقه بگیرد. با تدوین این منشور که به تأیید بزرگان مذاهب اسلامی در خواهد آمد دیگر هیچ گروه تروریستی نمی‌تواند دایم‌در اندام و تبیین شده، مسلمانان باشد و با اتحاد و همدلی می‌توان دنیای اسلام را بهتر از هر زمان دیگری در آرامش و صلح و برادری شاهد کرد.

جریده «در‌التحف» که به نوعی مبین افکار مذهبیون مشروطه‌خواه در نجف اشرف است، طی مقاله‌ای انتقادآمیز از سیاست فرهنگی برخی مطبوعات تهران که مروج این تفکراتند، حساسیت در خور توجهی را در برابر این مساله نشان می‌دهد. در اینجا، قسمت‌های مختلف این مقاله را که در دهم ذی‌القعدة ۱۳۲۸ هجری قمری در نجف اشرف به‌چاپ رسیده است، به اجمال از نظر می‌گذرانیم:

قابل توجه عموم ارباب جراید و مطبوعات! اینجا توجه را به عموم ارباب جراید و مطبوعات ملی و وطنی ساخته، در کمال احترام عرض می‌داریم: امروزه کسانی که همت ساعیه خود را به اظهار افکار عالیه و نشر لوايح و مقالات ناعفه به حال ملک و ملت اسلام مصروف داشته‌اند و ترغیب آن بود که از یمن برکات انفس آن ذوات محترمه اسلامیان دور سعادت و شوکت خود را به نحو اتم و اکمل و لوفی تجدد نمایند؛ مع‌التأسف می‌بینیم که زحمات‌شان هدر رفته و این عروه‌الوقت تعالی و ترقی و حب‌المتین هدایت و تمیذ گسسته، رغبت و میلی که بایستی یوما فیوم در قلوب اهالی نسبت به مطالعه مطبوعات از‌دیاد پذیرد، رفته‌رفته به یک نفرت و اشمئزاز عمومی تبدیل شده، متصدیان مطبوعات فعلاً در انتظار موهون و عالم مطبوعات به درجه‌ای انحطاط پذیرفته که هرچند حاوی مطالب نفیسه و معانی عالیه باشند، کسی گوش ندهد و به نظر قبول هر‌گز مطالعه ننماید. اشمئزاز و نفرت عمومی از مطبوعات به درجه‌ای کسب اهمیت نموده که خوف آن است بالاخره بیش از آنچه مسلمین از طرف جهل زبان و خسران دیدند، از ناحیه همین سرانگبین صفراشکن متضرر شوند. و سر این مطلب هم در غایت وضوح از بیانات فوق نمایان گردید که تنبیه ملت جاهل و ارشاد است جاهل در بدو امر از غیرمجرى دیانت امکان نخواهد داشت؛ ولیکن ارباب مطبوعات ما اول قدمی که در دائره ارشاد و هدایت ملت خود گذاشتند، از این مجرى نافذ طبیعى انحراف ورزیده و رابطه قومیت و وطن را وسیله پیشرفت مقصود خود دانسته‌اند.

یادروقی ۱۸
<div></div>
تاریخ مشروطه
<div><ul style="list-style-type: none">دکتر موسی نجفی</div>
<div><ul style="list-style-type: none">زمینه‌سازی احیای تاریخ ایران باستان</div>
<div>به‌عنوان سیاست فرهنگی سکولاریسم علیه‌شریعت</div>
هرچند در عصر مشروطیت، جدایی‌شعابر ملی‌گرایانه از مذهب، به صورتی که در دوران انقلاب اسلامی یا دوران نهضت نفت مطرح بوده، مطرح نمی‌شده است، زمینه‌ها و جای‌پایایی از این سیاست علیه کاهش حاکمیت و نفوذ مذهب را بخوبی می‌توان در جامعه تحقیق کرد. علت اینکه سکولاریسم ایرانی در سده اخیر به سیاست احیای ایران باستان به‌طور محوری و ریشه‌ای علاقمند شده است و در عصر مشروطه به‌طور پنهان و کمرنگ در دوران‌های بعدی و دهه‌های اخیر به طور جدی‌تر برای آن برنامه‌ریزی می‌کند، این است که پایگاه فکری اصلی سکولارها، فرهنگ و ارزش‌های مغرب زمین است و آنان بخوبی می‌دانند و در گذشته نیز می‌دانستند که این فرهنگ به دلیل غریب بودن و نامأنوس بودن با فرهنگ سنتی و اعتقادات مذهبی و ملی ایرانیان، برای نفوذ جدی و گسترده در جامعه قابل هضم نبوده و نیست؛ لذا برای عقب زدن رقیب، باید از حربه‌ای مشروع و به‌ظاهر وطنی استفاده شود؛ حربه‌ای که علامت و انگ بیگانه را نداشته باشد و با آن بتوان احساسات پاک افراد ساده‌دل و ظاهراندیش را براحتی تهییج کرد. این حربه، اندیشه بازگشت به ایران باستان و احیای فرهنگی و ارزشی آن دوران به‌صورت یک ایدئولوژی است. با کم و کیف این سیاست در دوران‌های اخیر کاری نداریم؛ ولی به زمینه‌ها و ریشه‌های این سیاست در عصر مشروطیت اشاره‌ای هر چند کوتاه خواهیم داشت. و به‌نظر می‌رسد بررسی این سیاست فرهنگی سکولاریسم را می‌توان به‌عنوان متمم و تکمیل‌کننده محور بحث گفته شده قبلی تلقی کرد؛ و آن را با عنوان «ماحول مقابله کهنای، حلقه واسط و گذرگاه مناسبی برای عبور جامعه ایران به طرف فرهنگ غربی و تهی کردن جامعه مسلمان از فرهنگ اسلامی قرار داد. اما توجه به اسناد و مدارک متون تاریخی درباره زمینه‌های اولیه این سیاست، ناکام ماندن و عدم پذیرش آن را از آن سوی مردم ایران بخوبی نشان می‌دهد. این سیاست همچنانکه در دهه‌های اخیر و در سنوات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نتوانست به‌عنوان جانشین قدرتمندی برای مقابله با مذهب اسلام و تشیع عمل کند، در ریشه‌های تاریخی قضیه نیز عدم استقبال و اقبال عامه از این سیاست فرهنگی و فرهنگ سیاسی بخوبی قابل درک است.
جریده «در‌التحف» که به نوعی مبین افکار مذهبیون مشروطه‌خواه در نجف اشرف است، طی مقاله‌ای انتقادآمیز از سیاست فرهنگی برخی مطبوعات تهران که مروج این تفکراتند، حساسیت در خور توجهی را در برابر این مساله نشان می‌دهد. در اینجا، قسمت‌های مختلف این مقاله را که در دهم ذی‌القعدة ۱۳۲۸ هجری قمری در نجف اشرف به‌چاپ رسیده است، به اجمال از نظر می‌گذرانیم:
قابل توجه عموم ارباب جراید و مطبوعات! اینجا توجه را به عموم ارباب جراید و مطبوعات ملی و وطنی ساخته، در کمال احترام عرض می‌داریم: امروزه کسانی که همت ساعیه خود را به اظهار افکار عالیه و نشر لوايح و مقالات ناعفه به حال ملک و ملت اسلام مصروف داشته‌اند و ترغیب آن بود که از یمن برکات انفس آن ذوات محترمه اسلامیان دور سعادت و شوکت خود را به نحو اتم و اکمل و لوفی تجدد نمایند؛ مع‌التأسف می‌بینیم که زحمات‌شان هدر رفته و این عروه‌الوقت تعالی و ترقی و حب‌المتین هدایت و تمیذ گسسته، رغبت و میلی که بایستی یوما فیوم در قلوب اهالی نسبت به مطالعه مطبوعات از‌دیاد پذیرد، رفته‌رفته به یک نفرت و اشمئزاز عمومی تبدیل شده، متصدیان مطبوعات فعلاً در انتظار موهون و عالم مطبوعات به درجه‌ای انحطاط پذیرفته که هرچند حاوی مطالب نفیسه و معانی عالیه باشند، کسی گوش ندهد و به نظر قبول هر‌گز مطالعه ننماید. اشمئزاز و نفرت عمومی از مطبوعات به درجه‌ای کسب اهمیت نموده که خوف آن است بالاخره بیش از آنچه مسلمین از طرف جهل زبان و خسران دیدند، از ناحیه همین سرانگبین صفراشکن متضرر شوند. و سر این مطلب هم در غایت وضوح از بیانات فوق نمایان گردید که تنبیه ملت جاهل و ارشاد است جاهل در بدو امر از غیرمجرى دیانت امکان نخواهد داشت؛ ولیکن ارباب مطبوعات ما اول قدمی که در دائره ارشاد و هدایت ملت خود گذاشتند، از این مجرى نافذ طبیعى انحراف ورزیده و رابطه قومیت و وطن را وسیله پیشرفت مقصود خود دانسته‌اند.
<div>ادامه دارد</div>